بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم شهرستان بم - 13 /ارديبهشت/ 1384

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدالله ربّ العالمين والصّلاة والسّلام علي سيّدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفي محمّد و علي اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيّما بقيّةالله في الأرضين
از خداوند متعال بسيار سپاسگزارم كه يک بار ديگر اين توفيق را به من ارزاني داشت كه به شهر شما و در ميان شما بيايم و جمع مردم باهمت و خوش روحيه ي بم را يک بار ديگر زيارت كنم.
آنچه در نگاه اول، اين سفر را با سفرهاي قبلي متفاوت مي كند، اين است كه من بحمدالله - چه در شهر كه مقداري حركت كرديم و ساعتي به مناطق مختلف و محل هاي اسكان رفتيم ؛ و چه الان كه در اين جمع شركت كرده ايم - چهره ي شما مردم عزيز و چهره ي جوانان و چهره ي شهر را برخوردار از يک نشاط و حالت اميد و اهتمام مي بينم. در سفرهاي قبلي چهره ي شهر بر اثر سنگيني حادثه و فاجعه يي كه اتفاق افتاده بود، افسرده و ملول بود. اين براي جنبه ي انساني شهر بم چيز مهمي است ؛ براي من هم كه از اعماق دل به شما مردم و آحاد مؤمن و صميمي اين منطقه و اين شهر علاقه و ارادت دارم، از اين كه چهره ها را گشاده مشاهده مي كنم، مژده ي بزرگي است.
مطالباتي وجود دارد و اين مطالبات غالباً هم بحق است ؛ هم امام جمعه ي محترم اينها را بيان كردند - كه از ايشان هم بخصوص بايد به خاطر زحماتشان تشكر كنيم - هم از مسؤولان محترم شهر و استان مواردي شنيده ام ؛ هم در گزارش هاي مردمي كه پيش از سفر براي ما تهيه مي شود، به دست آورده ام.
اما آنچه براي بنده به عنوان يک مسأله ي مهم مطرح است، اين است كه در مقابل حوادث و بلاياي طبيعي دوگونه مي توان موضعگيري و حركت كرد: يک نوع عبارت است از تسليم حادثه شدن و خود را به پيامدهاي آن سپردن و در مسير حوادث رها كردن ؛ اين منفي است. حادثه در اين صورت سودي براي جامعه ي حادثه ديده و مصيبت ديده نخواهد داشت و زيان هاي آن هم براي مردم باقي خواهد ماند. اما نوع ديگر عبارت است از برخورد فعال و مثبت ؛ يعني مصيبت را با همه ي عظمت و سنگيني اش پشت سر گذاشتن و به سمت جلو و اصلاح كارها حركت كردن.
اين نوع موضعگيري، صحيح و مثمر ثمر است. مصيبت در هر صورت واقع شده است ؛ ما بايد از مصيبت درس بگيريم و با پندگيري و عبرت گيري از بلاياي گذشته، آينده ي خود را آن چنان بسازيم كه هم از حوادث آينده جلوگيري كنيم ؛ هم مشكلاتي كه بر اثر حادثه پيش آمده، تا آن جايي كه ممكن است، جبران كنيم ؛ و هم دستاوردهاي جديدي به دست بياوريم. اين، نگاه مثبت و اسلامي است.
من مي بينم كه مردم عزيز بم و بروات با همت و تكيه ي به ايمان و نجابتي كه در آنها وجود دارد، راه دوم را پيش گرفته اند. آنچه تاكنون انجام شده است، به هيچ وجه كافي نيست. من از زحماتي كه مسؤولان دولتي و بخش هاي مختلف كشيده اند، تقدير و تشكر مي كنم ؛ حقيقتاً زحمات آنها درخور تقدير است. با وجود اين كه من از زحمات ستاد بازسازي شهر بم و روستاهاي بم متشكر هستم و كارشان را تقدير مي كنم، اما آنچه من از لحاظ ساخت و ساز، از لحاظ وضع شهري، از لحاظ مسكن و از لحاظ مراكز كسب و كار مي بينم، برايم خشنودكننده و راضي كننده نيست. بعضي از دستگاه هاي دولتي يا نهادهاي انقلابي حقاً و انصافاً خيلي خوب كار كردند. من نه از كساني كه خيلي خوب كار كرده اند، و نه از كساني كه اشكالاتي در كارشان بوده، نام نخواهم آورد - البته به خود آنها خواهم گفت - بعضي خوب كار كردند، تحسين برانگيز حركت كردند ؛ بعضي هم كم كاري كردند ؛ اما آنچه در مجموع مشاهده مي شود، عبارت است از يک نگاه كلي و برنامه ريزي محاسبه شده و اندازه گيري شده و قابل پيش بيني.
البته بنده دوست مي داشتم كه اگر مسؤولي به بم آمده و وعده كرده كه هفته يي يک مدرسه درست كند، توانسته باشد آن وعده را جامه ي عمل بپوشاند - كه متأسفانه نپوشانده - يا اگر كساني آمده اند براي بازسازي زمان معين كرده اند و گفته اند شهر بم را تا فلان مدت مي سازيم، توانسته باشند به اين زمان بندي عمل كنند ؛ كه مشاهده مي شود كساني كه چنين وعده هايي دادند، خودشان هم الان اعتراف دارند كه اين وعده دادن ها درست نبوده است ؛

اينها اعتراضات و مطالبات ماست.
ولي از مجموع مصايبي كه مي بينم و گزارش مي گيرم و از طرق مختلف مطلع مي شوم، آنچه استنتاج مي كنم، اين است كه برنامه ريزي براي بم، برنامه ريزي درستي است. اين برنامه ريزي بايد از سوي مسؤولان دولتي، از سوي بانك ها و از سوي دستگاه هايي كه در بازسازي، مسيرها و ايستگاه هاي گوناگوني به آنها مربوط است، مورد پشتيباني قرار بگيرد.
به من گفته شد كه بازسازي روستاهاي اطراف بم تا پايان سال 84 تمام خواهد شد ؛ و گفته شد كه اميدوارند بازسازي شهر بم تا آخر سال 85 به پايان برسد. من اين را به عنوان يک وعده ي قطعي تلقي نمي كنم و به شما هم اين را عرض نمي كنم ؛ اما اگر بتوانند به اين وعده جامه ي عمل بپوشانند، بايد بگوييم كار بسيار بزرگ و برجسته يي انجام داده اند ؛ و من دعا مي كنم كه بتوانند.
بازسازي - كه يک مسأله ي مهم شهر بم است - همه ي مسائل شهر بم نيست. موضوعاتي كه آقاي امام جمعه ي محترم و پُرنشاط و فهيم بيان كردند، همه ي اينها جزو مسائل است. امنيت جزو مسائل مهم اين شهر است، كه ربطي به بازسازي ندارد. مسأله ي كسبه و پيشه وران، يكي از مسائل است. رسيدگي به فرهنگيان و دانش آموزان - كه ديروز يكي از فرهنگيان محترم بم در مجتمع فرهنگيان كرمان آن را بيان مي كرد - يكي از مسائل مهم اين منطقه است. كارسازي و كارآفريني براي جوانان - كه اين جزو مسائل قبلي بم هم بوده است و در حال حاضر با رويداد زلزله افزايش پيدا كرده - يكي از مسائل مربوط به بم است. نشاط و روحيه ي جوان با كار كردن است ؛ جوان بايد بتواند كار كند. جواني كه كار مي كند، هم درون خود او و روحيه ي او شادمان و شاداب است ؛ هم مثل يک نخل بارآور، از ميوه ي شيرين كار او ديگران استفاده مي كنند ؛ يعني هم خودش شاداب است، هم ديگران بهره مي برند. جوان وقتي نتواند اشتغال لازم را به دست بياورد، هم شادابي خود او كم خواهد شد و يا خداي نكرده از بين خواهد رفت، و هم از ثمرات وجود او كس ديگري استفاده نمي كند.
البته مسأله ي ايجاد كار، مخصوص اين جا نيست ؛ يكي از مسائل مهم ما در سطح كشور است. در دو سه سال اخير تلاش هاي زيادي شده و فعاليت هاي فشرده و متراكمي براي اين كار صورت گرفته است و بايد هم ادامه پيدا كند. در دولت آينده، هر كس سر كار بيايد و قوه ي مجريه به دست هر دولت و رئيس دولتي بيفتد، يكي از اساسي ترين اهتمام هاي او بايد ايجاد اشتغال باشد.
شما مردم بم علاوه ي بر انتخاب رئيس جمهور، احتمالاً انتخاب نماينده هم خواهيد داشت. نگاه كنيد و كسي را كه پاسخگوي اين انتظارات است، پيدا كنيد. مدتي ما را به مسائل سياسي و جناحي و خطي و حرفهاي پوچ و بي محتوا - كه در زندگي واقعي مردم هيچ نقشي ندارد - سرگرم كردند. آنچه كشور ما احتياج دارد، كار و توليد و توسعه ي مادي و معنوي، همراه با عدالت و بدون تبعيض و فساد و افزون خواهي هاي غيرقانوني - و به قول آقايان، رانت خواري - است. مهمترين همت قوه ي مجريه و قوه ي مقننه و قوه ي قضاييه بايد اين باشد كه بتوانند در مقابل اين بيماري هاي صعب العلاج بايستند. اين بيماري ها از بلاي زلزله هم براي كشور خطرناک تر است ؛ چون همه گير است.
يكي از مسائلي كه خوب است در بم آن را عنوان كنم، اين است: عزيزان من! مردم عزيز بم! شما البته مصيبت ديديد. زلزله حقيقتاً فاجعه بار بود. بازماندگاني كه در مقابل چشم خود، عزيزانشان، فرزندانشان، نوه هايشان، همسرشان و والدينشان را ديدند كه در زير خاک هاي زلزله دفن مي شوند، به چه زباني مي شود تسلا داد؟ در سفرهاي گذشته به بم، من بسياري از اين افراد را از نزديک ديدم. اين داغ ها در دل انسان مي ماند - در اين شكي نيست - اما همين فاجعه ي مصيبت باري كه اين طور شماها را سوزاند و داغ بر دل هايي گذاشت، براي كل كشور، براي ايران عزيز و براي مسؤولان درس هايي داشت كه اگر به آن درس ها عمل كنيم، اين مصيبت بزرگ به ميزان زيادي جبران خواهد شد.
يكي از اين درس ها مقاوم سازي است. اين كه من بعد از سفر قبلي به بم، به مسؤولان گفتم كه نگذاريد مسأله ي بم كهنه شود، آن را تازه نگه داريد، يک علتش اين است كه حادثه ي بم ممكن است در هر نقطه ي ديگري از اين

كشور اتفاق بيفتد. در خود اين استان و در نقاط مختلف ديگر ممكن است اين حادثه اتفاق بيفتد ؛ ديديد كه در زرند هم اتفاق افتاد. استان كرمان - آن طور كه به من گزارش داده اند - روي هشت گسل زلزله قرار دارد. در محل تلاقي اين گسل ها امكان زلزله هاي بسيار شديدي مي رود و هر كدام از اينها ممكن است خسارات بزرگي داشته باشد ؛ بايد اينها را پيش بيني كرد. گفتم ستاد حوادث غيرمترقبه و بحران هاي ناشي از بلاياي طبيعي بايد تشكيل شود ؛ الان هم از بم - از كانون يكي از مهمترين بلاهاي طبيعي در زمان خودمان - به مسؤولان خطاب مي كنم و مي گويم اين كار را بيش از اين عقب نيندازيد. مسؤولان بايد آماده به كار باشند. هم مسأله ي مقاوم سازي در همه جاي كشور بسيار مهم است ؛ هم آماده بودن براي مقابله ي با اين حوادث، مهم است ؛ چون دقايق اوليه ي وقوع حادثه، دقايق اكسيري و كيميايي و ارزشمندي است. رسيدن به آن دقايق، ممكن است جان عده ي كثيري را نجات دهد. اينها آمادگي قبلي مي خواهد. ما خيلي از اينها را مي دانستيم، اما زلزله و مصيبت شما اين درس ها را زنده كرد و بسياري از مسؤولان كشور را به فكر واداشت.

اگر از اينها درس بگيريم، پاداش آن مصيبت و آن حادثه ي غم انگيز را گرفته ايم. البته حادثه ي بم فقط براي بمي ها غم انگيز نبود ؛ همه ي كشور را غرق در غم كرد ؛ همه ي آحاد مردم در سرتاسر كشور با شما احساس همدردي كردند.

براي كسي كه به بم مي آيد و مي رود، آنچه مهم است، روح كرامت و تلاش در ميان مردم بم است. هر چه مي توانيد، اين روحيه را تقويت كنيد. شما مردمِ با كرامت و صابري هستيد. اسم «دارالصابرين»ي كه امروز من چند بار شنيدم و در برخي از نوشته هاي مقابلِ خودم مي بينم، خيلي مناسب است. حقيقتاً در مصيبت به اين بزرگي، شما صبر و استقامت كرديد.

دل مصيبت ها را بايد شكافت و از دل آنها بركات الهي را استخراج كرد. با ديد ديگري به مصيبت ها نگاه كنيم تا بلاياي طبيعي را رحمت خدا ببينيم. اين تلفات عظيم و اين مرگ و نابودي كه در چنين حوادثي براي شهر و جامعه يي پيش مي آيد، با همه ي تلخي، اگر بتواند روح توكل، ارتباط با خدا، روح تلاش، عبرت گيري و به فكر آينده بودن را در ما زنده كند، نعمت خواهد شد.

بم بايد به توفيق الهي، به همت مسؤولان و با همين برنامه ريزي يي كه عرض كرديم - كه برنامه ريزي خوب و قابل قبول و به نظر ما جامع الاطراف است - در مدت زماني كه برادران مسؤول ذكر كرده اند، ان شاءالله به صورت يک شهر با استحكام و زيبا ساخته شود. شماها هم بايد تلاش كنيد. مسؤولان بايد به وعده هاي خودشان عمل كنند. اگر قرار بوده وام بدهند و يا تسهيلات در اختيار بگذارند، اينها را انجام دهند. آحاد مردم بايد همت كنند و با دستگاه ها همكاري داشته باشند ؛ دستگاه ها هم به همه ي وظايف خود عمل كنند تا از دل اين ويرانه ها يک شهر زيبا سر برآورد و مظهر عزم و اراده و ذوق و سليقه و برآورنده ي نيازهاي شما باشد. البته كارهايي كه بايد انجام بگيرد و نيازهايي كه مجموعه ي اين شهرستان دارد، در جاي خود محفوظ است.

ما در عرصه هاي مختلفي در صحنه ي آزمون نگاه مردم دنيا هستيم. و من به شما عرض بكنم ؛ در ماجراي بم، ملت ايران و مسؤولان دلسوز از سوي مراكز جهاني تحسين شدند. ملتي كه تلفات سنگين وارد شده بر خود را تحمل مي كند و با روحيه ي خوب و عزم راسخ در ميدان انقلاب و عرصه ي حركت و تلاش در جمهوري اسلامي با استقامتِ تمام مي ايستد ؛ هم به زبان مي آورد و هم در عمل آن را اثبات مي كند، مورد تحسين همه ي ناظران بين المللي قرار مي گيرد، و قرار گرفت. درست است كه بسياري از كشورها و مراكز بين المللي به وعده هاي خود عمل نكردند - كه اين را مسؤولان دولتي گزارش كردند و گفتند اينها به بسياري از وعده هاي خود عمل نكردند - ولي ما روي پاي خود ايستاديم. تحسين قلبي آنها نسبت به عزم و اراده ي مردم و مديريت خوبي كه در اين قضايا انجام گرفت، قطعي است.

بنده از سابق به بم علاقه داشتم. قبل از انقلاب، وقتي مي خواستم از جيرفت برگردم، آمدم چند روزي در بم ماندم و با مردم بم آشنا شدم. بعد از انقلاب موفق نشدم به بم بيايم. خيلي مايل بودم بيايم و با شما مردم مواجه شوم ؛ ولي متأسفانه تا قبل از زلزله اين توفيق به دست نيامد. يكي از دوستان قديمي ما در بم، بار اوّلي كه پس از وقوع

زلزله به بم آمدم، جلوي من آمد و گريست ؛ گفت دلمان مي خواست تو به بم بيايي ؛ اما نه در چنين شرايط و اوضاع و احوالي. بنده هم مايل بودم وقتي به بم بيايم كه اين شهر را شاد و پُرنشاط و فارغ از حوادث طبيعي و بدون مصيبت ببينم ؛ اما متأسفانه نشد. در عين حال خداي متعال را شاكرم كه در شهر شما نشاط و شادابي را در چهره ها مي بينم، كه در سفرهاي قبل نديده بودم. جوان ها و زن ها و مردها بانشاطاند. در خيابان هاي شهر، در اردوگاه ها و محل هاي اسكان موقت، هر جا رفتيم، احساس كرديم در چهره ي مردم شادابي و نشاط هست ؛ خدا را از اين بابت شكر مي كنيم.

از خدا مي خواهيم توفيق دهد تا بار ديگر بتوانيم به شهر شما بياييم و آن روز شما را در اوج نشاط و سلامت و خشنودي از پيشرفت كارهايتان ببينيم و شهر نوي بم را كه به دست شماها ساخته شده، ان شاءالله آن روز مشاهده كنيم. از اين ديدار بسيار خوشحالم. از شما تشكر مي كنم و عذرخواهي هم مي كنم كه در آفتاب گرم مدتي منتظر بوديد و عرايض ما را شنيديد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد لطف و فضل و رحمت و بركت خود را بر مردم اين شهر نازل كن. پروردگارا! به مسؤولان توفيق خدمتگزاري كامل به اين مردم عزيز و نجيب را عنايت كن. پروردگارا! مصايبي كه بر اين مردم وارد شده است، با لطف و رحمتِ مضاعف خود جبران بفرما. خدايا! ما را قدردان اين مردم قرار بده.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته